

چالش‌های نوین، ابزارهای نوین برای تصمیم‌گیری دفاعی

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۴

استوارت ای. جانسون و همکاران، چالش‌های نوین، ابزارهای نوین برای تصمیم‌گیری دفاعی، ترجمه محمدجواد زنگنه و کاظم غریب‌آبادی، تهران، ستاد مشترک سپاه، ۱۳۸۴، ۵۱۴ صفحه

مقدمه

تهدید بلوک شرق در دوران جنگ سرد معیار مشخصی برای سیاست خارجی و دفاعی بلوک غرب فراهم می‌ساخت که مهار آن، هدف اصلی سیاست خارجی بود. تهدید مذکور، اصول سازماندهی و شکل‌دهی نیروهای غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا را ایجاد می‌کرد. فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، سیاستهای خارجی و دفاعی غرب را دچار تحول کرد. اما حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ سرآغاز برهه‌ای جدید شد. که این حادثه و برخی تهاجمات غافلگیرانه علیه آمریکا، نشان داد محیط امنیت داخلی و ملی قدرتهای بزرگ، شکننده و آسیب‌پذیر است. در محیط جدید، تهدیدهای کوچک با مقیاس عمل تاکتیکی، پیامدهای استراتژیک به‌بار خواهند آورد. قدرت تولید حادثه در جهان و در عصر جدید افزایش یافته و استراتژیها خاصیت ماندگاری دوره گذشته را ندارند، بلکه تابع میدان تولید حادثه می‌باشند. تعداد بازیگران در نظامها و مجموعه‌های امنیتی افزایش یافته‌اند، بنابراین جهان امروز با نوعی ابهام و عدم اطمینان درباره آینده خود مواجه است. جهان، از مفاهیم بازدارندگی سنتی که بر پایه «توازن قدرت» به‌ویژه در حوزه

هسته‌ای برخوردار بود در حال گذار به بازدارندگی بر مبنای «توازن خطر» است. این بازدارندگی میدان نامتقارنی از گسترش و توزیع قوا را در پی خواهد داشت. افزایش تعداد بازیگران رسمی و غیررسمی به صورت آشکار و پنهان، افزایش زمینه‌های تولید بحران در مناطق مختلف جهان به‌ویژه خاورمیانه و جهان اسلام، تغییر ماهیت تهدیدات، تأثیرات متقابل امنیت و جهانی شدن، عدم تقارن در نظام امنیت جهانی و منطقه‌ای، باعث غیرخطی شدن فضای امنیت بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی کشورها شده؛ به این مفهوم که قابلیت پیش‌بینی تحولات امنیتی تضعیف شده است. همه اینها نشانگر مبهم بودن محیط امنیتی در ابعاد ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی است.

در چنین شرایطی تصمیم‌گیری در حوزه امنیت و دفاع ملی کشورها (به‌ویژه آنهایی که در میدان برخورد تهدیدات جدید قرار دارند) بسیار چالش‌برانگیز و مشکل‌آفرین خواهد بود. اندازه‌گیری دامنه تهدیدها، پیش‌بینی زمان وقوع تهدید، سنجش ماهیت، شدت و عمق‌بایی تهدیدها، صورت‌بندی ساختار منازعات جدید، موضع‌گیریهای سیاسی - نظامی کشورهای مؤثر و سناریوهای احتمالی تهاجمات نظامی، همگی موضوعات پیچیده‌ای هستند که عناصر اصلی طرحهای دفاعی را شکل می‌دهند. از سوی دیگر، بحث درباره تعیین وضعیت این عناصر با مشکلات زیادی روبه‌روست. در چنین وضعیتی مدیریت دفاع ملی و معماری امنیت ملی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار خواهد بود.

این کتاب با پرداختن به حوزه و ماهیت تهدیدهای نامتقارن جدید، تلاش می‌کند ابزارها و چارچوبهای نوین پاسخگویی به این تهدیدها را به‌ویژه با نگاه امریکایی تبیین کند. این نوشتار با مطالعه و بررسی ماهیت و ابعاد مختلف جنگهای آینده و نقش فن‌آوری اطلاعات در تصمیم‌گیری دفاعی و بررسی مدلهای مختلف تصمیم‌گیری دفاعی، روشهای جدید را به تصمیم‌سازان سطوح امنیت ملی و دفاع راهبردی ارائه می‌کند.

سازماندهی محتوایی

این کتاب با سیزده فصل در سه بخش ذیل تدوین شده است:

۱- چالشهای نوین برای دفاع؛

۲- مقابله با بی‌ثباتی؛

۳- ابزارهای نوین برای تصمیم‌گیری دفاعی.

در **فصل اول** با عنوان «تصمیم‌گیری دفاعی»، نویسندگان معتقدند که هر سازمان نظامی باید چهار سؤال از خود بپرسد: از چه نیروهایی باید استفاده کرد؟ آنان چگونه باید تعلیم یابند؟ چگونه باید مجهز شوند؟ چه ضربی (شتابی) از عملیات را باید به دست آورند و حفظ کنند؟ در این فصل شمایی از ساختارهایی ارائه شده است - به‌ویژه ساختارهایی در درون پنتاگون - که آمریکا برای پاسخ به سؤالات مذکور ترسیم کرده است.

فصل دوم با عنوان «واکنش به تهدیدات نامتقارن» توضیح داده است که چرا برتری نظامی متعارف ایالات متحده، رقبا را مجبور کرده است تا در پی استراتژیهای نامتقارن باشند؛ یعنی استراتژیهایی که برای حمله به آسیب‌پذیرها مانند اراده ایالات متحده و متحدانش، حمایت از کشور میزبان (امریکا) و زیرساختهای امریکا طرح‌ریزی شده‌اند. دشمنان بالقوه، سلاحهای کشتارجمع و جنگ اطلاعاتی ایجاد کرده‌اند و به اقدامات متقابل همچون مین‌گذاری دریایی به عنوان بخشی از تهدیدات نامتقارن متوسل شده‌اند و از استتار، کتمان و فریب برای پنهان کردن تواناییها و استراتژیهای خود استفاده می‌کنند. بخشی از خطر تهدیدهای نامتقارن از غیرمترقبه بودن آن نشئت می‌گیرد. این مسئله از آمادگی ایالات متحده در واکنش به آنها می‌کاهد و آن را با خطر مواجه می‌کند. تهدیدهای نامتقارن ممکن است بر نیروهای ایالات متحده و متحدانش و منافع آنها به جهات گوناگون تأثیر بگذارند که مقابله با آن، مشکل و پرهزینه است. تهدید به تلافی برای بازدارندگی دشمنان، دست‌کم در مواردی خاص، ناکافی است. آنچه مورد نیاز است، تلاش دفاعی منسجمی است که سه عنصر را دربرمی‌گیرد: درک تهدیدها، حفاظت در برابر آنها و مدیریت تهدیدها. درک تهدیدها، اساس مقابله با آنهاست. حفاظت در برابر تهدیدها، برای کاهش آنچه دشمن به دست می‌آورد، ضروری است و مدیریت تهدید تلاش می‌کند تا در برابر گسترش تهدیدها، نقش بازدارنده ایفا کند و مانع بروز تهدیدهای جدید شود.

فصل سوم با عنوان «معماری اطلاعاتی برای دفاع چیست؟»، درخواستی است از برنامه‌ریزان تا گزینه‌هایی را بشناسند که آگاهانه یا ناآگاهانه در زیربنای سیستم‌های فن‌آوری اطلاعات قرار دارند و چگونگی استفاده از آنها را شکل می‌دهند. سیستم شبکه یک دفتر ممکن است به دفتر دیگر بسیار شبیه باشد؛ اما مقتضیات پنتاگون در زمینه اطلاعات، بسته به کاربرد آنها در موارد ذیل، متفاوت است:

- برنامه‌ریزی برای نبرد استراتژیک (اهمیت دادن به مهارت‌های تحلیلی برای تشخیص نقاط قوت و ضعف دشمن)؛
- برنامه‌ریزی برای نبرد متعارف (چه چیزی برای هماهنگی نیروها لازم است)؛
- برنامه‌ریزی برای جنگ مدرن با فن‌آوری بالا (که نیازمند تعیین اهداف و تعقیب سریع آن است)؛
- برنامه‌ریزی برای منازعه با شدت کمتر (که نیازمند آن است که نظامیان به نقشه‌های دقیق محیط مجهز شوند).

ساختار اطلاعاتی ممکن است با توجه به چگونگی جمع‌آوری، ارائه، نمایش، انتشار، حفظ، ایمن‌سازی، استانداردسازی و ادغام اطلاعات، توصیف شوند.

بخش دوم کتاب به مسئله مهم ناپایداری (بی‌ثباتی) می‌پردازد. **فصل چهارم** با عنوان «به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعات در طرح‌ریزی دفاعی» با این فرض شروع می‌شود که هرچند آینده قابل شناخت نیست، اما راز یا معمای تمام عیار هم به شمار نمی‌آید. اندکی از حدس‌های قریب به یقین درباره آینده می‌تواند در درازمدت به کمک طراحان بیاید. اگرچه بسیاری از تصمیمات همچون تصمیمات مربوط به رده‌های نیرو را می‌توان در کوتاه‌مدت به حالت اول برگرداند، اما به علت ابهامات دیرین ناشی از تصمیمات مربوط به جنگ‌افزار یا تحقیق و توسعه یا رویه‌های تعیین شده از سیاستها، آینده واقعاً اهمیت پیدا می‌کند. نقطه شروع مناسب برای انجام فرآیند تجزیه و تحلیل، استفاده از علوم آمادی و پیشرفتهای مداوم در عرصه فن‌آوری اطلاعات است. نویسنده از طریق آنچه این گرایش در فناوری برای جنگ متعارف و جنگ اطلاعاتی آینده معنا و مفهوم پیدا می‌کند، به بررسی موضوع می‌پردازد. به عنوان مثال، پیشرفتهای به وجود آمده در فن‌آوری اطلاعات حاکی از آن است که جنگ متعارف بسیار شدیدی می‌تواند

ورود حجم بالایی از اطلاعات به دست آمده را از طریق حس‌گرها در یک تصویر معمولی ایجاب کند که برای تعیین هدف، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تعدد و کثرت منابع اطلاعات باعث می‌شود آسیب‌پذیری استفاده‌کنندگان در مقابل حملات از جانب منابع مختلف، کمتر باشد.

فصل پنجم با عنوان «طرح‌ریزی حساس به ناپایداری» علاوه بر آنکه به آینده بدون غافلگیری یا حوادث غیرمنتظره می‌پردازد، انواع مختلف ابهامات احتمالی را شناسایی کرده، برای پوشش آشکار برخی از حوادث احتمالی و انجام اقدامات احتیاطی یا تدافعی در مقابل سایرین، طرحهایی را توسعه می‌دهد و ارائه می‌کند. در ضمن، روش مذکور با این استدلال به شکل‌دهی محیط، تأکید می‌کند که تا حدودی می‌توان آینده را با اقدامات خود شکل داد و تحت تأثیر قرار داد. نویسنده برای تبیین نظام مدیریتی در طرح‌ریزی دفاعی پیشرفته، این نظریه را با استفاده و کنترل اهداف چندگانه ترکیب می‌کند. سپس این چارچوب (ساختار) را در خصوص مشکل ایجاد توانمندیهای لازم برای طیف گسترده‌ای از سناریوهای سیاسی - نظامی و موقعیتهای عملیاتی به کار می‌بندد. تمرکز دوره پس از جنگ سرد بر یک یا دو سناریوی نمایشی طرح‌ریزی برای تصمیم‌گیری دفاعی، دیگر با اهداف امروزی انعطاف‌پذیری و سازگاری و هماهنگی ندارد. حرکت به سمت دستیابی به چنین اهدافی، مستلزم آن است که مواضع نیرویی مختلف در «چارچوب مکانی - سناریویی» صریح و روشن ارزیابی شود تا بتوان ارزش آنها را با استفاده از موقعیتهای مختلفی که در آن تأثیرگذار خواهند بود، اندازه‌گیری کرد. رویکرد برنامه‌ریزی قابلیت‌محور در محدوده یک بودجه، در نهایت بر تصمیم‌گیری تأکید دارد. در بخش پایانی این فصل، چارچوب تحلیلی برای ترکیب ساختار مدیریتی تواناییها، کل فرایند برنامه‌ریزی دفاعی با نتایج حاصل از اقتصاد و تجزیه و تحلیل قابلیت‌محور توصیف شده، مورد بحث قرار می‌گیرد.

فصل ششم با عنوان «طرح‌ریزی نیروی کارآمد نظامی»، به موضوعات نیروی انسانی، پرسنل و آموزش می‌پردازد. پرسنل به چه صورت مدیریت و کنترل می‌شوند؛ به‌طور مستقیم از طریق تعریف کار و مأموریت، یا به‌طور غیرمستقیم از طریق ایجاد انگیزه‌هایی همچون ترمیم حقوق و دستمزد؟ مهارت و تجربه چگونه باید انتقال یابند و

رفتارها چگونه باید القا گردند؟ یک نیرو تا چه حد باید رشد کند؟ ساختار درجه‌بندی، مهارت و تجربه آن چگونه باید باشد؟ بهترین شیوه‌های جذب، استخدام، آموزش، تربیت، انتصاب، ارتقا، ترمیم حقوق و حق بازنشستگی افراد کدام است؟

نویسنده در صدد تحقیق و کسب اطلاعات بیشتر درباره خط‌مشی و سیاست‌های پرسنلی و آموزشی بر می‌آید که ممکن است به بهترین نحو به تشکیل نیرویی منجر شود که به اندازه کافی بزرگ، واجد شرایط و شایسته، با ثبات، مجرب و با انگیزه است. برخی از راهکارها را می‌توان در کل نظام اعمال کرد؛ در حالی که سایر راهکارها را صرفاً باید به یگانهای نظامی یا اشخاص تعمیم داد. این فصل، چگونگی نشئت گرفتن و بروز پیچیدگی و اختلافات در بین اهداف متناقض و نیز پیدایش و حصول نتایج ناخواسته بالقوه را از مؤلفه‌های قابل کنترل و غیرقابل کنترل، بیان می‌کند.

فصل هفتم به توصیف این امر می‌پردازد که چگونه در طول سی سال اخیر، تجربه نیرویی متشکل از افراد داوطلب، به گردآوری خارق‌العاده اطلاعات درباره اهمیت صلاحیت و شایستگی نیروها در توانمندی نظامی و نیز سیاست‌های جذب، حفظ و نگهداری و مدیریت یا کنترل چنین نیرویی منجر شده است که مؤلف آن را «سرباز قرن بیست و یکم» نامیده است.

فصل هشتم با عنوان «انطباق با بهترین رویه‌هی تجاری برای دفاع» به مسئله انتخاب بهترین اقدامات تجاری از دنیای تجرات برای به‌کارگیری در دنیای کاملاً متفاوت مدیریت و برنامه‌ریزی دفاعی پرداخته شده است.

بخش سوم، با **فصل نهم** درباره مدل‌سازی آزمایشی آغاز شده است. این فصل با عنوان «تجزیه و تحلیل اکتشافی و تأثیرات آن بر الگوسازی» به بررسی پیامدهای ناپایداری از طریق شیوه‌های جامع‌تر می‌پردازد. نویسنده به جای آنکه به جزئیات طاقت‌فرسای نظم II ام بپردازد، از مجموعه گسترده‌ای از متغیرهای داده شده استفاده می‌کند (که بسیاری از آنها فراتر از سطحی قرار می‌گیرند که «متخصصان» آن را منطقی بدانند). هدف او از این کار، شناسایی ناپایداری اصلی - که تجزیه و تحلیل، حول محور آن قرار دارد - و عوامل اصلی است که دیگر متغیرها در مقایسه با آن، در مرتبه پایین‌تر قرار می‌گیرند. این شیوه بیشتر برای مطالعه در عرض (نه در عمق) مناسب

است و به‌ویژه می‌توان از آن در کسب فهم وسیع مشکلات قبل از بررسی جزئیات یا برای «دیدن جنگ به جای درختان» - بعد از تجزیه و تحلیل دقیق - استفاده کرد. از این رو برای طرح‌ریزی قابلیت‌محور بسیار مناسب است. این فصل به تشریح شیوه‌هایی برای انجام تجزیه و تحلیل اکتشافی منظم می‌پردازد و تشریح می‌کند که این تجزیه و تحلیل را می‌توان با الگوهای چند راه‌حلی، چند بعدی تسهیل کرد.

فصل دهم با عنوان «استفاده از الگوسازی مبتنی بر بررسی منظم»، به موضوعات عملی مرتبط با به‌کارگیری الگوسازی رزمی و کامپیوترهای مدرن می‌پردازد تا حوزه‌ای وسیع از برون‌دادها را برای فهم خطرناک ناشی از درگیری، بررسی کند. در واقع؛ نویسنده از طریق شناسایی سبب متنوع ساختن منظم تصمیمات تجربی و متغیرهای خطر، برای ایجاد گستره‌ای از برون‌دادها به طرح‌ریزی تجربی می‌پردازد. متغیرهای تصمیم‌گیری گزینه‌های اجرایی را ارائه می‌دهند. متغیرهای خطر برای مثال در زمان هشدار در اختیار قرار می‌گیرند و انتخابی نیستند. معیارهای برون‌داد ممکن است بسیار ساده (مثلاً حداکثر مسافتی که نیروهای دشمن قادر به پیشروی‌اند) یا پیچیده (نسبت تلفات گروه‌های خودی در مقابل دشمن) باشند. شبیه‌سازی رزمی به منظور ایجاد مجموعه نتایجی استفاده می‌شود که نمایانگر برون‌دادهای هر مجموعه از ارزشها و متغیرهای تجربی است. نویسنده این فصل، نمونه‌ای جامع ارائه می‌دهد که از طرحهای تجربی به سوی تفسیر نتایج پیش می‌رود.

در **فصل یازدهم** با عنوان «ارزیابی سیستمهای اطلاعاتی نظامی»، بیان شده است که در بیست و پنج سال قبل، برخی از اندیشمندان دفاعی در پی ایجاد توانایی بررسی این مسئله بودند که سیستمهای اطلاعاتی تا چه اندازه در موفقیت مأموریتهای نظامی مؤثر هستند. همگام با این هدف، پیشرفتهایی مهم در چهار حوزه فرهنگ، روش، ابزارها و تجربیات به دست آمد. دورنمای بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی، چالشهایی ترسناک برای جامعه ارزیابی ایجاد می‌کند. سهم و تأثیر سیستمهای اطلاعاتی باید در بستر مأموریتهای درحال ظهور و زیرساختارهای اطلاعاتی چندبعدی (حوزه‌های اطلاعاتی) و همچنین تغییرات وسیع‌تر در خود وزارت دفاع، ارزیابی شود.

فصل دوازدهم با عنوان «روش شناختی "روز بعد" و تجزیه و تحلیل امنیت ملی»،

شیوه ابتکاری بازی جنگ را به‌طور خلاصه بیان می‌کند. این شیوه از طریق اجرای یک طرح و پرداختن به این موضوع که چگونه تصمیم‌گیری مناسب می‌تواند نتیجه را بهبود بخشد، به ارزیابی موضوعات استراتژیک می‌پردازد. برای عملکرد مناسب این شیوه، طرحی دقیق مورد نیاز است و روند آزمایش باید طولانی باشد.

فصل آخر (سیزدهم) با عنوان «استفاده از سیستم‌های جلسه الکترونیکی برای کمک به اتخاذ تصمیمات دفاعی» به بررسی مجموعه‌ای دیگر از ابزارها برای بهینه‌سازی کیفیت سنجش دفاعی می‌پردازد. مهمترین مسئله‌ای که مورد بررسی قرار گرفته، این است که طراحان در مواجهه با پدیده پیچیدگی و ناپایداری با خطر عادت کردن به توهمات آشنایند؛ به علاوه آنها، در مورد نحوه مناسب تصور آینده با محدودیتهایی روبه‌رو می‌باشند. وقتی طراحان به‌طور جمعی عمل می‌کنند، خود مسئله تفکر گروهی تبدیل به تهدید واقعی می‌شود.

کتاب با یک جمع‌بندی خاتمه یافته است. این پی‌گفتار، برخی از تبعات جنگ کنونی علیه تروریسم و امنیت سرزمینی را درباره چالشهای پیش‌رو طرح کرده است. این چالشها سبب خواهند شد تا مؤسسات پژوهشی، بار دیگر رهیافتهای تحلیلی را که به بهبود تصمیم‌گیری دفاعی و امنیت ملی منجر می‌شوند، شکلی تازه ببخشند.